

Jurisdiction Agreement Conditions in the 2005 Hague Convention and the Brussels I Regulation

Simin Dokht Barkhordar Teimoori¹, Behshid Arfania²✉, Nejadali Almasi³

Abstract

Field and Aims: The present article analyzes the conditions of jurisdiction agreements in two significant legal instruments: the 2005 Hague Convention and the Brussels I Regulation. This study is considered a novel contribution to domestic legal scholarship. The Hague Convention emphasizes the principle of party autonomy in selecting an appropriate court, while also addressing practical limitations on jurisdiction, particularly in civil and commercial disputes. Meanwhile, the Brussels I Regulation was established to harmonize and align legal rules among European countries, facilitating judicial proceedings.

Method: This study employs descriptive and analytical methods to provide a comprehensive perspective on the impact and role of these conventions in strengthening international commercial and legal relations.

Findings and Conclusions: The key discussions include the analysis and comparison of jurisdiction agreements, their formal and substantive requirements, their scope of application, and the independence of jurisdiction agreements from the main contract in both conventions. The research findings indicate that the Hague Convention allows exceptions for matters concerning state interests, whereas such exceptions are not recognized in the Brussels I Regulation. Although both conventions share similarities in defining and structuring jurisdiction agreements, the Hague Convention places greater emphasis on their validity. This article underscores the importance of international legal convergence, highlighting the positive impact of these conventions on commercial and legal relations and presenting them as part of the global effort to standardize legal practices.

Keywords: Jurisdiction Agreement, Exclusive Jurisdiction, Non-Exclusive Jurisdiction, Chosen Court, 2005 Hague Convention, Brussels I Regulation, Private International Law.

*Citation (APA): Teimoori, S.; Arfania, B.; Almasi, N. (2024). Jurisdiction Agreement Conditions in the 2005 Hague Convention and the Brussels I Regulation. *International Legal Research*, 17(65), 47-72.

1. PhD Candidate in Private Law, Faculty of Law, Theology, and Political Science, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. Email: teimoori203@gmail.com

2. Associate Professor, Department of Private Law, Faculty of Law, Theology, and Political Science, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. (Author). Email: beh.arfania@iauctb.ac.ir

3. Professor, Department of Private Law, Faculty of Law, Theology, and Political Science, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. Email: naalmasilaw@gmail.com

شرایط توافق صلاحیت در کنوانسیون لاهه ۲۰۰۵ و مقررات بروکسل یک

سیمین دخت برخوردار تیموری^۱، بهشید ارفع نیا^۲، نجادعلی الماسی^۳

چکیده

زمینه و هدف: مقاله حاضر به تحلیل و بررسی شرایط توافق صلاحیت دادگاه‌ها در دو کنوانسیون مهم «لاهی ۲۰۰۵» و «مقررات بروکسل یک» می‌پردازد که به نوبه خود پژوهشی نو در تالیفات داخلی محسوب می‌گردد. کنوانسیون لاهه بر اصل آزادی توافق طرفین در انتخاب دادگاه مناسب و محدودیت‌های مربوط به صلاحیت در عمل، به خصوص در زمینه دعاوی مدنی و تجاری، تاکید دارد. در همین حال، مقررات بروکسل یک با هدف هماهنگی و هم‌راستایی قوانین حقوقی میان کشورهای اروپایی شکل گرفته و به تسهیل روند رسیدگی حقوقی کمک می‌کند.

روش: این پژوهش با استفاده از روش‌های توصیفی و تحلیلی، تلاش دارد تصویری جامع از تأثیر و نقش این کنوانسیون‌ها در تقویت روابط تجاری و حقوقی بین‌المللی ارائه دهد.

یافته‌ها و نتایج: مباحث اصلی شامل تحلیل و مقایسه توافقات صلاحیت، شرایط شکلی و ماهوی و دامنه شمول آن‌ها، همچنین استقلال توافق صلاحیت از قرارداد اصلی در این دو کنوانسیون است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که کنوانسیون لاهه اجازه استثنای موارد مربوط به منافع دولت را دارد، در حالی که این امکان در مقررات بروکسل یک دیده نمی‌شود. هرچند هر دو کنوانسیون در تعریف و شکل‌گیری توافق صلاحیت مشابه‌اند، کنوانسیون لاهه دقت بیشتری در اعتبار توافقات دارد. این مقاله با تاکید بر اهمیت همگرایی قوانین بین‌المللی، به تأثیرات مثبت این کنوانسیون‌ها بر روابط تجاری و حقوقی پرداخته و آن‌ها را به عنوان بخشی از تلاش جهانی برای یکسان‌سازی رویه‌های قانونی مطرح می‌کند.

کلیدواژه‌ها: توافق صلاحیت، صلاحیت انحصاری، صلاحیت غیرانحصاری، دادگاه منتخب، کنوانسیون لاهه ۲۰۰۵، مقررات بروکسل یک، حقوق بین‌الملل خصوصی.

استناددهی (APA): برخوردار تیموری، سیمین دخت؛ ارفع نیا، بهشید و الماسی، نجادعلی. (۱۴۰۳). شرایط توافق صلاحیت در کنوانسیون لاهه ۲۰۰۵ و مقررات بروکسل یک. *تحقیقات حقوقی بین‌المللی*، ۱۷(۶۵)، ۴۷-۷۲.

۱. دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. رایانامه: teimoori203@gmail.com

۲. دانشیار گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول). رایانامه: beh.arfania@iauctb.ac.ir

۳. استاد گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. رایانامه: naalmasilaw@gmail.com

مقدمه

در دنیای امروز، با گسترش روابط تجاری و اجتماعی بین کشورهای مختلف، نیاز به یک چارچوب حقوقی منسجم برای حل و فصل دعاوی بین‌المللی، بیش‌تر از هر زمان دیگری حس می‌شود. در این راستا، «توافق صلاحیت»^۱ به عنوان ابزاری کلیدی در حقوق بین‌الملل خصوصی، به طرفین اجازه می‌دهد تا دادگاهی را که قصد دارند دعاوی خود را در آن به پیش ببرند، انتخاب کنند.

این امر ممکن است به دلایل مختلفی باشد. طرفین قرارداد ممکن است رسیدگی به اختلاف خود را در دادگاه کشور خاصی به دلیل موقعیت جغرافیایی آن یا نظام دادرسی حاکم بر سیستم قضایی آن کشور، برای خود مناسب‌تر بدانند. پس، با تعیین دادگاه صالح، آن‌ها اطمینان بیشتری در روابط قراردادی خود خواهند داشت. همچنین، خطر بروز اختلاف در دادگاه صالح برای رسیدگی به دعوا کاهش یافته و از بروز دادرسی موازی به یک دعوا در دو دادگاه صالح جلوگیری می‌شود (Clermont, 2015: 645).

این پژوهش با تمرکز بر دو کنوانسیون مهم «لا‌هه ۲۰۰۵» و «مقررات بروکسل یک»، به بررسی و تحلیل شرایطی می‌پردازد که باید به توافقات صلاحیت اختصاص یابد. با توجه به این که این کنوانسیون‌ها چارچوبی قانونی و سازگار با نیازهای تجارت بین‌المللی فراهم می‌کنند، تجزیه و تحلیل آن‌ها می‌تواند کمک شایانی به فهم بهتر از شرایط حقوقی لازم در این توافقات نماید.

این مقاله از پنج بخش اصلی تشکیل یافته است. در بخش اول این مقاله، به معرفی کنوانسیون لا‌هه و دامنه اعمال مقررات آن می‌پردازیم. بخش دوم نیز سابقه تصویب مقررات بروکسل^۱ و دامنه اعمال آن را بیان خواهد نمود. بخش سوم تعریف توافق صلاحیت را در کنوانسیون‌های مذکور بررسی می‌کند. در بخش‌های چهارم و پنجم نیز شرایط توافق صلاحیت در این دو مقرره، که شامل شرایط شکلی و ماهوی آن می‌باشد، به تفصیل شرح داده خواهد شد.

۱) کنوانسیون لا‌هه ۲۰۰۵ (راجع به توافق دادگاه)

۱-۱) سابقه تصویب کنوانسیون لا‌هه ۲۰۰۵

«کنفرانس حقوق بین‌المللی خصوصی لا‌هه»^۲، مهم‌ترین سازمان فعال در زمینه حقوق بین‌الملل خصوصی است. این کنفرانس دایمی در سال ۱۸۹۳ تأسیس گردید (کوپنول-لافورس، ۱۳۷۹: ۲۱-۲۲) و در سال ۱۹۵۵ به یک سازمان بین‌المللی تبدیل شد. مطابق ماده (۱) اساسنامه کنفرانس

1 - Jurisdiction Agreement/ Agreement on Jurisdiction

2- The Hague Conference on Private International Law



حقوق بین‌المللی خصوصی لاهه، هدف این کنفرانس، تلاش برای یکسان‌سازی قواعد حقوق بین‌المللی خصوصی است (توسلی و محمدی، ۱۴۰۱: ۲۴۶۴).

حاکمیت اراده اشخاص در سلب صلاحیت بین‌المللی دادگاه‌ها مورد توجه کنفرانس حقوق بین‌الملل خصوصی لاهه قرار گرفته است. کنفرانس مزبور سه کنوانسیون در زمینه توافق بر صلاحیت دادگاه تصویب نموده است:

- ۱ - کنوانسیون لاهه راجع به صلاحیت دادگاه منتخب در رسیدگی به بیع بین‌المللی کالا ۱۹۵۸^۱
- ۲ - کنوانسیون لاهه راجع به انتخاب دادگاه ۱۹۶۵^۲
- ۳ - کنوانسیون لاهه راجع به توافق دادگاه ۲۰۰۵.^۳

بعد از گذشت بیش از چهل سال از تصویب کنوانسیون لاهه ۱۹۶۵ راجع به انتخاب دادگاه، کنفرانس لاهه در ۳۰ ژوئن ۲۰۰۵، کنوانسیون لاهه درباره توافق‌های انتخاب دادگاه را تصویب نمود. این کنوانسیون از اول اکتبر ۲۰۱۵ لازم‌الاجرا شده است. اعضای کنفرانس لاهه یا دولت‌ها هستند یا سازمان‌های یکپارچه اقتصادی منطقه‌ای که در حال حاضر، مکزیک، سنگاپور، انگلستان، آمریکا، مونته‌نگرو، کانادا و کشورهای عضو اتحادیه اروپا از متعاهدین آن می‌باشند (مجد کابری، انصاری، ۱۳۹۷: ۳۱۸ - ۳۱۶).

کنوانسیون لاهه بخشی از پیش‌نویس کنوانسیون لاهه راجع به صلاحیت قضایی و آرای خارجی در موضوعات تجاری و مدنی است.^۴ با توجه به این که این پیش‌نویس، علی‌رغم جامع بودن، محتوای اختلاف‌برانگیزی داشت، لذا کنفرانس لاهه پیشنهاد داد دایره شمول پیش‌نویس، تنها به توافق انتخاب دادگاه صالح بین تجار محدود شود. با پذیرش این پیشنهاد، همه اعضا در تاریخ ۳۰ ژوئن ۲۰۰۵، خلاصه‌شده پیش‌نویس را به عنوان کنوانسیون لاهه راجع به توافقات مربوط به انتخاب دادگاه در بیستمین جلسه کنوانسیون لاهه تصویب نمودند. اهمیت این کنوانسیون را باید از زبان شورای اتحادیه اروپا، به عنوان رکن مقنن این اتحادیه شنید: «کنوانسیون انتخاب دادگاه در راستای ترویج اصل آزادی اراده در معاملات تجاری بین‌المللی و نیز افزایش قابلیت پیش‌بینی در ارایه راه‌حل‌های قضایی در چنین معاملاتی کمک بسزایی می‌کند»^۵

1- Convention of 15 April 1958 on the Jurisdiction of the Selected Forum in the Case of International Sales of Goods.

2- Convention of 25 November 1965 on the Choice of Court.

3- The Hague Convention on the Choice of Court Agreement 2005 (HCCCA), Available at www.hcch.net.

4- The Draft Hague Convention on Jurisdiction and Foreign Judgements in Civil and Commercial Matters, Available at www.cptech.org.

5- Recital 2 of the Council Decision of February 2009 on the Signing on Behalf of the European Community of the Convention on Choice of Court Agreements (2009/ 397/ EC), OJ L 133/1, 29.05.2009. 1390: 42 - 40).



۴ - اتحادیه اروپا به عنوان یک سازمان یکپارچه اقتصادی منطقه‌ای می‌تواند به نمایندگی از دول عضو اتحادیه، کنوانسیون را امضا کند. ماده ۲۹ کنوانسیون در این خصوص مقرر می‌کند: «سازمان یکپارچه اقتصادی منطقه‌ای که تنها توسط دولت‌های حاکم تشکیل شده است و نسبت به برخی یا همه موضوعات تحت شمول این کنوانسیون صلاحیت دارد، می‌تواند این کنوانسیون را امضا، قبول، تأیید {کرده یا بدان} رضایت دهد. سازمان یکپارچه اقتصادی منطقه‌ای در این مورد، حقوق و تعهدات یک دولت عضو را در حدی که سازمان صلاحیت نسبت به مسائل تحت شمول این کنوانسیون خواهد داشت، دارد.» این مقرر به‌دین معناست که با نهاد اتحادیه اروپا با رعایت مقررات این ماده، مانند یک دولت برخورد می‌شود.

۲-۱) دامنه اعمال کنوانسیون لاهه ۲۰۰۵

هدف اصلی کنوانسیون لاهه این است که قواعد متحدالشکلی را برای اجرای توافق انتخاب دادگاه توسط طرفین تجاری بین‌المللی فراهم کند. این کنوانسیون با هدف توسعه تجارت بین‌المللی از طریق همکاری‌های قضایی تنها بر توافقات مربوط به انتخاب انحصاری دادگاه در قراردادهای تجاری و مدنی^۱، در معاملات تاجر با تاجر اعمال می‌شود و به طرفین اجازه می‌دهد تا بتوانند دادگاهی را که مایلند، به عنوان تنها دادگاه صلاحیت‌دار بشناسند. همچنین، قراردادهای مصرف‌کنندگان و قراردادهای کار و برخی قراردادهای تصریح‌شده در ماده (۲)، از شمول کنوانسیون خارج هستند (شریعت باقری، ۱۳۹۵: ۱۵۸-۱۵۷) که در ادامه، به این موارد می‌پردازیم.

۲) مقررات بروکسل ۱ مصوب ۲۰۱۲

۱-۲) سابقه تصویب مقررات بروکسل ۱

رژیم بروکسل^۲ که خود شامل سه مجموعه می‌باشد، مجموعه‌ای از قواعد است که مقرر می‌کند کدام دادگاه در دعاوی مدنی یا تجاری بین افراد مقیم در دول عضو مختلف «اتحادیه اروپا»^۳ و «اتحادیه تجارت آزاد اروپا (افتا)»^۴ صلاحیت رسیدگی دارد. این مجموعه دارای قواعد تفصیلی است که هم دادگاه صالح به رسیدگی و هم نحوه شناسایی و اجرای آرای خارجی را معین می‌کند.

این سه مجموعه عبارتند از: «کنوانسیون بروکسل مصوب ۱۹۶۸»^۵، «کنوانسیون لوگانو مصوب ۲۰۰۷»^۶ و «مقررات بروکسل ۱»^۱. این سه سند حقوقی از نظر محتوا شباهت زیادی به هم دارند.

1- Concluded in civil or commercial matters

2- Brussels Regime

3- European Union

4- European Free Trade Association (EFTA)

5- Brussels Convention

6- Lugano Convention

محل اقامت خوانده، عاملی است که مشخص می‌کند کدام یک از این سه مجموعه، قابل اعمال است؛ مثلاً، «مقررات بروکسل ۱»^۲ جایی اعمال می‌شود که خوانده در یکی از دول عضو اتحادیه اروپا مقیم باشد. کنوانسیون لوگانو نیز در موردی اعمال می‌شود که خوانده در یکی از کشورهای ایسلند، نروژ یا سوئیس اقامت داشته باشد. کنوانسیون بروکسل، با مقررات یکم بروکسل جایگزین شده است (حبیب زاده، ۱۳۹۰: ۱۱۶). از میان مقررات فوق، مقررات یکم بروکسل مورد بررسی قرار می‌گیرد.

در اتحادیه اروپا، مقررات شورا در خصوص صلاحیت قضایی، شناسایی و اجرای آرا در موضوعات تجاری و مدنی معروف به «مقررات بروکسل ۱»^۳، در راستای یکسان‌سازی قواعد مربوط به تعارض صلاحیت قضایی دادگاه‌ها، در مسائل تجاری و مدنی پیش رفت و تشریفات لازم برای نیل به این هدف را در بین دولت‌های عضو اتحادیه به انجام رساند. آخرین بازنویسی این مقررات در سال ۲۰۱۲ انجام شد^۴ (ایرانپور و اسعدی، ۱۴۰۲: ۱۰).

مقررات یکم بروکسل در تمام دول عضو اتحادیه اروپا اجرا می‌شود و دولت‌هایی که پس از تصویب این مقررات به اتحادیه اضافه شده‌اند نیز مانند جمهوری چک، قبرس، استونی و لهستان، بدون نیاز به تصویب مراجع داخلی آن‌ها، ملزم به آن خواهند بود^۵ (Borchardt, 2017: 100-101).

در گزارشی که در ۲۱ آوریل ۲۰۰۹ از سوی کمیسیون اتحادیه، در خصوص اعمال مقررات یکم بروکسل منتشر شده، آثار اجرای این مقررات به این صورت مورد تمجید قرار گرفته است: «مقررات یکم بروکسل سند بسیار موفقیت‌آمیزی است که دادخواهی فرامرزی را از طریق سیستم کارآمد همکاری قضایی، بر اساس قواعد صلاحیت قضایی جامع و هماهنگی در «دعای موازی»^۶ و «جریان آرا»^۷ تسهیل کرده است. سیستم همکاری قضایی مقرر در مقررات (یکم بروکسل) با موفقیت، با فضای سازمانی در حال تغییر (از همکاری بین‌الدولی به سوی تشکیلات یکپارچه اروپا)

1- Brussels I Regulation (BIR)

۲- علت نام‌گذاری این مقررات به مقررات بروکسل ۱ این است که از مقررات دوم بروکسل که درباره صلاحیت قضایی، شناسایی و اجرای آرا در موضوعات زناشویی و مسئولیت والدین در قبال فرزندان هر دو طرف است، متمایز گردد.

3- Council Regulation (EC) No. 44/ 2001 of 22 December 1999 on Jurisdiction and the Recognition of Enforcement of Judgments in Civil and Commercial Matters ('Brussels I Regulation'), Available at www.europa.eu.

4- The Regulation (EU) No 1215/2012 of the European Parliament and the Council of 12 December 2012 on Jurisdiction and the Recognition and Enforcement of Judgments in Civil and Commercial Matters (recast) (Brussels I Recast)

۵- هر دولتی که به اتحادیه اروپا ملحق می‌شود، به تمام مقررات، قوانین، دستورالعمل‌ها، اعلامیه‌ها، معاهدات، قطعنامه‌ها و توافقات بین‌المللی اتحادیه با دیگر کشورها و نهادهای بین‌المللی و منطقه‌ای و آرای دیوان دادگستری اتحادیه اروپا ملزم می‌گردد؛ هر چند قبل از الحاق آن به اتحادیه، تدوین، تصویب و لازم‌الاجرا شده باشند.

۶- منظور، دعایی است که به طور همزمان، در چند دادگاه از دول عضو اتحادیه اروپا اقامه می‌شود.

۷- ظاهراً، منظور، استفاده از آرای صادره در یک دادگاه از دول عضو، در دادگاه‌های سایر دول عضو اتحادیه است.



[هماهنگ شده] و با چالش‌های نوین در زندگی تجاری مدرن سازگار گشته است.^۱ نتیجه معرفی این مقررات، ایجاد همکاری‌های قضایی قابل توجه در بین اعضای اتحادیه اروپا، به ویژه در بحث صلاحیت قضایی است (حبیب زاده، ۱۳۹۰: ۱۱۶).

۲-۲) دامنه اعمال مقررات بروکسل ۱

طبق ماده (۱) مقررات بروکسل ۱، محدوده اعمال آن، موضوعات تجاری و مدنی است. مسائل مربوط به درآمد گمرک و موضوعات اداری خارج از محدوده اعمال آن است. علاوه بر این، موضوعاتی چون وضعیت و اهلیت اشخاص حقیقی حقوق مربوط به اموال که ناشی از روابط زناشویی است، وصیت‌نامه‌ها و حقوق ارثیه، ورشکستگی، دعاوی مربوط به انحلال شرکت‌ها یا سایر نهادهای حقوقی ورشکست‌شده، توافقات قضایی، مصالحه یا سایر دعاوی مشابه امنیت اجتماعی و داوری، خارج از محدوده اعمال این مقررات است. دادگاه باید فقط موضوع اصلی اختلاف را مورد بررسی قرار دهد تا معلوم کند که آیا اختلاف در محدوده اعمال این کنوانسیون است یا خیر. مسائل فرعی در تعیین این مساله تاثیری ندارد (حبیب زاده، ۱۳۹۰: ۱۱۸).

۳) تعریف توافق بر صلاحیت دادگاه در حقوق بین الملل خصوصی

برخی حقوق‌دانان در تعریف توافق صلاحیت دادگاه بیان کرده‌اند: «توافقی است که به موجب آن، طرفین از میان دادگاه‌های کشورهای مختلف، دادگاه‌های یک یا چند کشور معین را که علی‌الاصول صلاحیت رسیدگی به اختلاف آن‌ها را ندارند، برای رسیدگی به دعاوی موجود یا آتی که ممکن است از رابطه حقوقی آن‌ها ناشی شود، انتخاب می‌کنند. بر این اساس، برخلاف شرط داوری که رسیدگی به دعوا به قضات خصوصی محول می‌شود، توافق صلاحیت دادگاه، قضات دولتی را برای رسیدگی و صدور حکم، صالح می‌داند» (شایگان، ۱۳۹۷: ۲۷).

۱-۳) تعریف توافق بر صلاحیت در کنوانسیون لاهه

موضوع توافق طرفین بر صلاحیت بین‌المللی دادگاه‌های یک کشور، در حقوق داخلی کشورها کمتر مورد توجه قرار گرفته است؛ اما در اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای، از جمله ماده ۵ کنوانسیون ۲۰۰۵ لاهه با عنوان «توافق بر انتخاب دادگاه» اشاره شده است که دو طرف می‌توانند با تراضی، دادگاه صلاحیت‌دار را انتخاب کنند. همچنین، به موجب ماده (۳) کنوانسیون لاهه ۲۰۰۵، «توافق بر انتخاب دادگاه» قراردادی است که توسط دو یا چند شخص، برای رسیدگی به اختلاف فعلی یا

1 - Report from the Commission to the European Parliament, the Council and the European Economic and Social Committee on the Application of Council Regulation (EC) No. 44/ 2001 on Jurisdiction and the Recognition and the Enforcement of Judgments in Civil and Commercial Matters, Brussels, 21.4.2009, COM (2009) 174 final, Commission of European Communities, Available at www.ipex.eu.

آینده در زمینه یک رابطه حقوقی معین به وجود آید، منعقد می شود (غمامی، صانعیان، ۱۳۹۹: ۱۷۰).

۲-۳) تعریف توافق صلاحیت در مقررات بروکسل ۱

علاوه بر ماده (۲۵) مقررات بروکسل ۱ که بر امکان توافق بر انتخاب دادگاه توسط طرفین قرارداد اشاره دارد، از بند (۱) ماده (۲۳) این مقررات نیز می توان به تعریف توافق صلاحیت رسید. به موجب این بند، اگر طرفین توافق کنند که دادگاه یک کشور عضو برای حل و فصل اختلاف به وجود آمده، صلاحیت داشته باشد، آن دادگاه صالح خواهد بود.

۴) شرایط شکلی توافق صلاحیت

۴-۱) توافق صریح و ضمنی

توافق صریح، توافقی است که تراضی بر آن به صراحت بیان می شود و طرفین به صورت شفاهی یا کتبی، بر امری توافق می کنند.

پس، در حالتی که توافق دو طرف به صورت کتبی تنظیم شده و به امضای ایشان رسیده است و می توان از آن به «موافقت نامه انتخاب دادگاه» یاد کرد، قرارداد صریح محسوب می شود (غمامی، صانعیان، پیشین: ۱۶۸)؛ مثلاً، ممکن است طرفین یک قرارداد در چارچوب قراردادی کتبی، دادگاهی را به عنوان دادگاه منتخب برای رسیدگی به اختلافات احتمالی ناشی از قرارداد تعیین نمایند یا در چارچوب یک توافق کتبی مستقل از قرارداد اصلی بر صلاحیت دادگاهی برای رسیدگی به اختلافات خود تراضی نمایند (مجد کابری و انصاری، ۱۴۰۰: ۱۴۳).

توافق ضمنی، توافقی است که به صراحت مورد تراضی قرار نمی گیرد، بلکه به حکم عقل، قانون یا عرف جزو مفاد عقد محسوب می شود (کاتوزیان، ۱۳۸۷: ۱۱۹)؛ مثلاً، خواهان، دعوا را در دادگاه کشوری که در اصل صالح به رسیدگی نیست (دادگاه محل اقامت خوانده، محل انعقاد قرارداد، محل اجرای قرارداد و غیره نبوده است)، مطرح کند و خوانده بدون اعتراض به صلاحیت دادگاه، وارد ماهیت دعوا شده و از خود دفاع نماید. در هر دو صورت (توافق صریح یا ضمنی)، توافق یادشده ماهیت قراردادی دارد (مجد کابری و انصاری، ۱۴۰۰: ۱۴۳).

۱-۴) نظر کنوانسیون لاهه ۲۰۰۵ در مورد شرایط شکلی (صریح یا ضمنی) توافق صلاحیت

به موجب بند (پ) ماده (۳) کنوانسیون لاهه ۲۰۰۵، قرارداد انتخاب دادگاه باید به صورت کتبی یا به هر صورت دیگری که استناد به آن برای بهره برداری در مراحل بعدی ممکن باشد، منعقد شود؛ یعنی قرارداد انتخاب دادگاه باید به نحوی مستند شود که در صورت بروز اختلاف، بتوان وجود آن را اثبات کرد. پس، چنین توافقی به هر صورتی منعقد شود، مشروط بر این که بتوان در زمان



مناسب وجود آن را اثبات نمود، معتبر شناخته می‌شود؛ حتی اگر از قراین و شواهد برآید که دو طرف به طور ضمنی بر صلاحیت بین‌المللی دادگاه کشور معینی توافق نموده‌اند، بر مبنای خواست مشترک دو طرف عمل می‌شود (غمامی و صانعیان، ۱۳۹۹: ۱۷۱ - ۱۷۰).

۲-۱ (۴) نظر مقررات بروکسل ۱ در مورد شرایط شکلی (صریح یا ضمنی) توافق صلاحیت توافق مربوط به صلاحیت قضایی در صورتی معتبر است که شرایط مقرر در ادامه بند (۱) ماده (۲۳) مقررات بروکسل ۱ را احراز کرده باشد؛ یعنی اولاً، حداقل یکی از اطراف توافق، اقامتگاه در یک کشور عضو داشته باشد؛ ثانیاً، دادگاه یک کشور عضو انتخاب شده باشد (Delaygua, 2015: 381). علاوه بر آن، از نظر شکلی، طرفین نمی‌توانند شرایطی علاوه بر ماده (۲۳) مقرر دارند؛ مثلاً، درج توافقنامه صلاحیت به یک زبان خاص را الزامی نمایند. اما اگر احتمالاً یک طرف به طور غیرمنصفانه و آگاهانه از زبانی استفاده کند که طرف دیگر آن را نمی‌فهمد، هیچ توافقی در چارچوب ماده (۲۳) مقررات بروکسل ۱ وجود ندارد (Carr, 2005: 547). دادگاه‌ها نیز نمی‌توانند شرایط دیگری بر این شرایط اضافه کنند؛ بنابراین، توافقنامه صلاحیت طبق ماده (۲۳) مقررات بروکسل ۱ باید به یکی از صور زیر باشد:

۱- به صورت کتبی تنظیم شود: با توجه به این که در عصر کنونی ممکن است طرفین از ابزارهای نوین الکترونیکی برای انجام مکاتبات استفاده کنند، لذا بند (۲) ماده (۲۳) مقرر می‌کند: «هرگونه ارتباط از طریق ابزارهای الکترونیکی که سابقه‌ای بادوام از توافق ایجاد می‌کند، باید معادل با {سابقه} مکتوب باشد». همچنین، به عنوان یک قاعده کلی، قرارداد کتبی به امضای طرفین می‌رسد. در برخی موارد، یکسری شروط عمومی در پشت قرارداد ذکر می‌شود. اگر اعطای صلاحیت در همین بخش ذکر شود، شرط کتبی بودن احراز نمی‌شود؛ مگر این که قرارداد امضا شده بین طرفین صریحاً به شروط عمومی پشت قرارداد ارجاع دهد. در مواردی که طرفین، شفاهی توافق می‌کنند و یکی از طرفین در تأیید توافق انجام شده، نامه‌ای کتبی برای طرف دیگر می‌فرستد و وی نیز اعتراضی نمی‌کند، در این صورت، توافق انجام شده به عنوان توافق مکتوب تلقی می‌شود؛ اما اگر طرفین بدون توافق صلاحیت، شفاهی قراردادی را منعقد کنند، اما بعداً طرف دیگر قرارداد شروط توافق شده را کتبی تنظیم و به دیگری ارسال کند و در خصوص صلاحیت قضایی شرطی در آن بگنجانند، این شرط را نمی‌توان به عنوان شرط تنظیم شده به صورت کتبی تلقی نمود؛ مگر این که طرف دریافت کننده، کتبی شرایط نوشته شده را قبول کند. با این حال، در برخی موارد لازم نیست در خصوص صلاحیت قضایی، توافق کتبی وجود داشته باشد. دیگر بندهای ماده (۲۳) که در ذیل بررسی می‌شود، نمونه‌هایی از این موارد است.

۲- مطابق با رویه‌ای باشد که طرفین بین خودشان ایجاد کرده‌اند: مانند موردی که طرفین، شفاهی قراردادی برای حمل و نقل کالا منعقد می‌کنند که بعداً کتبی، توسط «متصدی حمل و نقل»^۱ با صدور «بارنامه‌ای»^۲ که شرط صلاحیت دارد، تایید می‌شود. در این صورت، علی‌رغم فقدان توافق کتبی صریح از سوی حمل‌کننده کالا با «کشتی»^۳، در صورتی که متصدی حمل و نقل و حمل‌کننده کالا با کشتی، روابط تجاری مستمری با هم دارند که در کل، تابع شرایط عمومی متصدی حمل و نقل است و در بین شرایط، قیدی در خصوص صلاحیت مقرر شده است، شرط این بند از ماده (۲۳) احراز می‌شود. لذا، وجود رویه سابق بین طرفین که دال بر روابط تجاری مستمر بین آن دو است، برای احراز این بند الزامی است.

۳- اگر تجارت بین‌المللی باشد، توافق صلاحیت باید مطابق با عرف تجارتی باشد که طرفین به آن آگاه بوده و این عرف توسط طرفینی که در چنین تجارتی وارد هستند، مکرراً مورد استفاده قرار گرفته و به طور گسترده شناخته شده باشد (حبیب زاده، ۱۳۹۰: ۱۳۱).

بنابراین، به طور کلی، از مقایسه شرایط شکلی توافق صلاحیت در این دو کنوانسیون به نکات ذیل دست می‌یابیم:

۱- شفافیت و اعتبار توافق: کنوانسیون لاهه ۲۰۰۵ به وضوح بر لزوم کتبی بودن یا استنادپذیری توافقات تاکید دارد که این موضوع می‌تواند به میزان قابل توجهی از بروز اختلافات جلوگیری کند. اعتبار وجود توافق حتی در صورت ضمنی بودن نیز، به طرفین این امکان را می‌دهد که از شواهد و قرائن برای اثبات ادعاهای خود استفاده کنند. این امر به تأمین امنیت حقوقی کمک می‌کند و طرفین را به رعایت مفاد توافقات ترغیب می‌نماید.

۲- محدودیت‌های مقررات بروکسل ۱: در مورد مقررات بروکسل ۱، تاکید بر این که طرفین نمی‌توانند شرایط اضافی برای اعتبار توافقات صلاحیت ایجاد کنند، نکته‌ای مهم است. این موضوع می‌تواند به ثبات و یکپارچگی قوانین بین‌المللی کمک کند؛ زیرا تضادهایی که ممکن است از تفاوت‌های زبانی یا شرایط اضافی ناشی شود، به حداقل می‌رسد. با این حال، وجود امکان سوءاستفاده از زبان و نادیده گرفتن حقوق یکی از طرفین نیز باید مورد توجه قرار گیرد.

۳- تاثیر بر حقوق طرفین: مجموع این موارد نشان‌دهنده آن است که در خصوص توافقات صلاحیت، باید به روشنی و دقت عمل کرد تا از هرگونه سوءتفاهم و چالش‌های حقوقی جلوگیری شود. در واقع، قوانین و مقررات باید به گونه‌ای طراحی شوند که از حقوق تمامی طرفین حفاظت کند و به حفظ عدالت در فرایندهای قضایی بین‌المللی کمک کند.

1- Carrier
2- Bill of Lading
3- Shipper



۲-۴) توافق مستقل و شرط قراردادی

توافق صلاحیت ممکن است به صورت یک توافق مستقل از قرارداد تنظیم شود و یا به صورت یک شرط در قرارداد درج گردد تا در موقع نیاز به حل اختلاف، طرفین به دادگاه مورد توافق در این شرط مراجعه کنند. در هر دو صورت، این توافق باید به عنوان شرطی مستقل از دیگر شروط قراردادی تلقی گردد. از این رو، چنانچه توافق یادشده به صورت شرطی ضمن قرارداد اصلی درج شود، بطلان قرارداد اصلی صدمه‌ای به اعتبار شرط توافق صلاحیت وارد نمی‌کند (مجد کابری و انصاری، ۱۴۰۰: ۱۴۴).

با توجه به این که چنین شرطی برای دادگاه‌های کشورانتخاب شده، ایجاد صلاحیت کرده است و از دادگاه‌های سایر کشورها سلب صلاحیت می‌کند، به لحاظ ساختار و اثر به شرط داوری شباهت دارد و آنچه درباره استقلال شرط داوری^۱ در قانون وجود دارد، در اینجا نیز موضوعیت پیدا می‌کند.

پذیرش استقلال توافق صلاحیت^۲ با تفسیر اراده طرفین نیز قابل اثبات است، زیرا تمایل دوطرف بر این قرار گرفته است که تحت هر شرایطی حتی اگر قراردادی که ضمن آن، شرط صلاحیت شده، از اساس باطل باشد یا فسخ، منفسخ یا تفاسخ شود یا اگر قراردادی مانند اجاره، مدت آن به پایان رسیده باشد، حل و فصل تمامی اختلافات، چه در زمان باقی‌بودن قرارداد و یا بطلان آن، بر عهده دادگاهی می‌باشد که بر صلاحیت بین‌المللی آن توافق شده است (غمامی و صانعیان، ۱۳۹۹: ۱۷۸).

البته، توافق در خصوص هر قراردادی منحصر به آن قرارداد است و به قراردادهای بعدی بین همان طرفین تسری پیدا نمی‌کند. به عبارت دیگر، اگر طرفین قراردادی را با درج شرط توافق دادگاه در آن منعقد کنند و بعداً قرارداد دیگری بدون درج شرط توافق دادگاه منعقد کنند، در این صورت، شرط توافق دادگاه قرارداد قبلی آن‌ها بر قرارداد بعدی حاکم نخواهد شد.

۱-۲-۴) نظر کنوانسیون لاهه در مورد اصل استقلال توافق صلاحیت از قرارداد اصلی

کنوانسیون لاهه ۲۰۰۵، در بند (ت) ماده (۳)، بر اصل استقلال توافق صلاحیت از قرارداد اصلی تاکید نموده است. در این بند آمده است: «توافق انحصاری انتخاب دادگاه که در زمان قرارداد درج شده است، به عنوان توافقی مستقل از دیگر شروط قرارداد محسوب می‌شود. این امکان وجود

۱- امروزه، اصل استقلال شرط داوری از قرارداد اصلی در حقوق کشورهای دنیا به رسمیت شناخته شده است؛ مثلاً، در حقوق ایران در بند یک ماده ۱۶ قانون داوری تجاری بین‌المللی مصوب ۱۳۷۶ این اصل با صراحت بیان شده است. بخش قانون داوری انگلستان مصوبه ۱۹۹۶ نیز بر این استقلال تاکید نموده است.

2- separability of jurisdiction agreement

ندارد که با استناد به این که قرارداد معتبر نیست، به اعتبار توافق انحصاری انتخاب دادگاه لطمه وارد نمود.» (مجد کابری و انصاری، ۱۴۵: ۱۴۰۰).

۲-۲-۴) نظر مقررات بروکسل ۱ در مورد اصل استقلال توافق صلاحیت از قرارداد اصلی در مقررات بروکسل ۱ نیز بر استقلال توافق صلاحیت تاکید شده است. بند (۵) ماده (۲۵) مقررات مزبور بیان داشته است: «توافق انتخاب دادگاه که بخشی از قرارداد است، به عنوان قراردادی مستقل از دیگر شرایط به قرارداد محسوب می شود. این امکان وجود ندارد که صرفاً با استناد به این که قرارداد معتبر نیست، به اعتبار موافقتنامه صلاحیت، ایراد نمود» (مجد کابری و انصاری، ۱۴۵: ۱۴۰۰ - ۱۴۴).

پس، درموردی که خواسته دعوا، باطل اعلام کردن قرارداد حاوی شرط صلاحیت است، باز هم دادگاه منتخب طرفین طبق ماده (۲۳) صلاحیت انحصاری دارد و اگر قرارداد حاوی قید صلاحیت، غیرمعتبر باشد، موجب بی اعتباری قید صلاحیت نخواهد شد. عدم اعتبار قید صلاحیت باید منحصرأ و مجزاً بررسی شود (Garcimartin, 2015: 305).

به باور برخی صاحب نظران، حکم یادشده در مقررات بروکسل ۱، تایید رویه قضایی دیوان دادگستری اروپا^۱ و حقوق انگلستان است (Briggs, 2015: 161).

بنابراین، می توان از مقایسه نظر دو کنوانسیون مذکور به موارد ذیل دست یافت:

۱- تأکید بر استقلال توافق صلاحیت: هر دو متن به صراحت بر استقلال توافقات صلاحیت از قرارداد اصلی تأکید دارند. این اصل مهم به طرفین این تضمین را می دهد که حتی اگر خود قرارداد به دلیلی غیرمعتبر شناخته شود، توافقات مربوط به صلاحیت قضایی همچنان معتبر باقی می ماند. این امکان باعث می شود که طرفین در شرایط بحرانی یا اختلافات ناشی از اعتبار قرارداد، به راحتی عدالت را در دادگاه های منتخب خود بیابند.

۲- امنیت حقوقی: اصل استقلال توافق صلاحیت می تواند به سادگی فرآیند حل اختلافات بین المللی را تسهیل کند. این موضوع نشان دهنده این است که نظام های حقوقی به دنبال حفظ امنیت و ثبات در روابط تجاری و قراردادی هستند؛ به ویژه، در مواردی که ممکن است یک طرف به دنبال خلل در اعتبار قرارداد باشد، این اصل می تواند از به وجود آمدن بی نظمی جلوگیری کند.

۳- ادامه صلاحیت با وجود عدم اعتبار قرارداد: یکی از نکات مثبت این قوانین، این است که در صورتی که قرارداد معتبر شناخته نشود، همچنان دادگاه منتخب طبق ماده (۲۳)، صلاحیت انحصاری خواهد داشت. این امر به ما این اجازه را می دهد که اصل حق انتخاب محاکم در موارد بین المللی حفظ شود و طرفین بتوانند به دادگاه های مورد نظر خود مراجعه کنند.

1- The European Court of Justice (ECJ).



۴- پشتیبانی از رویه قضایی: اشاره به رویه قضایی دیوان دادگستری اروپا و حقوق انگلستان در راستای تایید این اصول، نشان‌دهنده پذیرش بین‌المللی این ایده و نیز اجماع جهانی در خصوص ضرورت این قواعد در حل و فصل مسائل حقوقی بین‌المللی است.

به طور کلی، این اصل در هر دو نظام حقوقی به نفع طرفین معامله و به منظور ارایه یک چارچوب محکم و قابل اتکا برای حل اختلافات عمل می‌کند. این موضوع به‌نوبه خود می‌تواند به گسترش همکاری‌های تجاری و حقوقی بین کشورها کمک کند.

۵) شرایط ماهوی توافق صلاحیت

۱- ۵) شرط بین‌المللی بودن دعوای موضوع توافق صلاحیت

اکثر حقوقدانان معتقدند که دعوایی که با توافق طرفین، دادگاهی برای رسیدگی به آن انتخاب شده، باید وصف بین‌المللی داشته باشد و این شرط بدیهی است؛ خواه در قانون ذکر شده باشد یا خیر؛ و گرنه آن دعوا، غیرمعتبر است (حداد، ۲۰۱۰: ۱۴؛ الروبی، ۲۰۰۸: ۱۳؛ محمد خلیل، ۲۰۱۴: ۱۹۳).

۱- ۱- ۵) نظر کنوانسیون لاهه در مورد بین‌المللی بودن دعوا

کنوانسیون لاهه ۲۰۰۵، بر شرط بین‌المللی بودن دعوای موضوع توافق انتخاب دادگاه تاکید کرده است. در ماده (۱) مقرر شده: «۱- این کنوانسیون نسبت به توافقنامه‌های انحصاری انتخاب دادگاه که در موضوعات مدنی و تجاری و در موقعیت‌های بین‌المللی منعقد می‌شود، اعمال خواهد شد. ۲- ... یک دعوا، بین‌المللی است مگر این که طرفین، ساکنان یک کشور متعهد باشند و رابطه طرفین و همه عناصر مربوط به دعوا، صرف‌نظر از محل دادگاه منتخب، فقط به همان کشور مربوط باشد...»

هدف کنوانسیون از به کار بردن عبارت «صرف‌نظر از محل دادگاه منتخب» این است که تاکید کند در دعوای داخلی، صرف انتخاب دادگاه خارجی برای رسیدگی به آن، دعوا را بین‌المللی نمی‌سازد. بنابراین، چنانچه تمامی عناصر دعوا مربوط به یک دولت متعهد نباشد، دعوای مزبور بین‌المللی محسوب می‌شود (مجد کابری و انصاری، ۱۳۹۹: ۳۷۳).

۲- ۱- ۵) نظر مقررات بروکسل ۱ در مورد بین‌المللی بودن دعوا

همان طور که قبلاً بیان شد، کمیسیون اتحادیه اروپا در گزارش ۲۱ آوریل ۲۰۰۹ خود، از مقررات بروکسل ۱ به‌عنوان سند بسیار موفقیت‌آمیزی که دادخواهی فرامرزی را از طریق سیستم کارآمد همکاری قضایی، تسهیل کرده، یاد نموده است. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که این مقرره، فقط شامل دعوای بین‌المللی می‌باشد.

۲-۵) شرط انحصاری بودن توافق صلاحیت

انواع توافق صلاحیت ممکن است به دو شکل «انحصاری»^۱ و «غیرانحصاری»^۲ منعقد شود؛ توافق بر صلاحیت، در صورتی انحصاری محسوب می شود که صرفاً دادگاه منتخب طرفین، صلاحیت بین المللی رسیدگی به دعوا را داشته باشد و از سایر دادگاه ها سلب صلاحیت شود. اما در صلاحیت غیرانحصاری علاوه بر دادگاه منتخب، دادگاه های دیگری نیز از صلاحیت بین المللی برای رسیدگی به دعوا برخوردارند. در صلاحیت غیرانحصاری، توافق دو طرف بر انتخاب یک دادگاه می تواند یک عامل ارتباط بین دعوا و دادگاه منتخب ایجاد کرده یا بر صلاحیت و اختیار دادگاه در شناسایی یا رد صلاحیت خود تاثیر گذارد؛ در هر صورت، انتخاب یک دادگاه به صورت انحصاری معتبر تلقی شده و لازم الاجرا شناخته می شود؛ مگر این که مانع قوی تری مانند نظم عمومی از اجرای آن جلوگیری کند (Bennett, Grana, 2017:17). با این حال، تشخیص انحصاری یا غیرانحصاری بودن دادگاه منتخب، در حقوق کشورهای مختلف متفاوت بوده و راه حل ها یکسان نیست.

۱-۲-۵) نظر کنوانسیون لاهه ۲۰۰۵ در مورد انحصاری بودن توافق صلاحیت

در کنوانسیون لاهه، انتخاب دادگاه یک کشور، به آن دادگاه صلاحیت انحصاری اعطا می کند؛ پس، امتیازات مندرج در آن کنوانسیون، تنها اختصاص به موردی دارد که اعطای صلاحیت به دادگاه منتخب از سوی طرفین «انحصاری» باشد؛ یعنی در صورت وجود توافق صلاحیت، اصل بر این است که دادگاه کشور عضو منتخب به دعوی موضوع توافق انتخاب دادگاه رسیدگی کند و دادگاه کشور عضو غیرمنتخب از رسیدگی به این دعوا خودداری کند (Mills, 2017:7)؛ امری که از ماده (۱) و بند (۱) ماده (۵) که به این نوع موافقت اشاره کرده، قابل اثبات است. ماده (۱) مقرر می دارد: «۱- این کنوانسیون نسبت به توافقتنامه های انحصاری انتخاب دادگاه که در امور مدنی و تجاری و موقعیت های بین المللی منعقد می شود، اعمال می گردد...». همچنین، ماده (۵) اعلام می دارد: «۱- دادگاه یا دادگاه های یک کشور از کشورهای متعاقد که به موجب موافقتنامه انحصاری انتخاب دادگاه، تعیین می شود، صلاحیت برای رسیدگی به دعوی موضوع توافق خواهد داشت؛ مگر این که طبق قانون دادگاه کشور عضو منتخب، موافقتنامه یادشده باطل باشد؛ ۲- دادگاه منتخب، طبق بند (۱) این ماده، نمی تواند به علت این که دادگاه کشور دیگری باید به دعوا رسیدگی کند، از خود نفی صلاحیت نماید....»

در گزارش تفسیری کنوانسیون لاهه آمده است که چنانچه دادگاه منتخب به دعوا رسیدگی نکند، توافق انتخاب دادگاه بی اعتبار و فاقد ارزش خواهد بود. به همین دلیل، بند (۱) ماده (۵)،

1- exclusive (often referred to as » mandatory»)

2- nonexclusive (» permissive»)



برای اعطای اثربخشی بیشتر به توافق صلاحیت مقرر کرده است که دادگاه منتخب، طبق موافقتنامه انحصاری انتخاب دادگاه، برای رسیدگی به دعوی موضوع توافق صلاحیت، صلاحیت خواهد داشت؛ مگر این که توافق صلاحیت طبق قانون کشور دادگاه منتخب، باطل و بلااثر باشد؛ بنابراین، بطلان توافق، تنها استثنایی است که با تحقق آن، دادگاه منتخب اجازه دارد به دعوا رسیدگی نکند. این بطلان، مطابق قانون کشور دادگاه منتخب مشخص می‌شود. همچنین، منظور از بطلان مندرج در بند (۱) ماده (۵)، بطلان مرتبط با مسایل ماهوی است و نه مسائل شکلی. مسایلی مانند «تقلب»^۱، «اشتباه»^۲، «تدلیس»^۳، «اجبار یا اکراه»^۴ و «نقص اهلیت»^۵ از مصادیق بطلان مندرج در این ماده است (Hartley, Dogauchi, 2007: 124-126).

برای تضمین اثربخشی توافق انتخاب دادگاه در بند (۲) ماده (۵) بیان شده است که دادگاه منتخب نمی‌تواند به این دلیل که دعوا باید در دادگاه کشور دیگری رسیدگی شود، از رسیدگی به آن خودداری نماید. در واقع، هدف از بند دوم ماده یادشده، تاکید بر اثر اعطای صلاحیت به دادگاه منتخب است. همچنین، طبق گزارش تفسیری کنوانسیون لاهه، هدف از بند (۲) این است که دادگاه منتخب را از اعمال دکرین «دادگاه نامناسب»^۶ و «ایراد امر مطروحه»^۷ و در نتیجه، خودداری از رسیدگی به دعوا به نفع دادگاه کشوری دیگر ممنوع کند (مجد کابری و انصاری، ۱۳۹۹: ۳۷۴).

ماده (۳) نیز مقرر می‌دارد: «الف- (توافق انحصاری انتخاب دادگاه) توافقی است که بین دو یا چند طرف و با رعایت الزامات درج‌شده در بند (پ) منعقد می‌گردد و در آن، دادگاه‌های یکی از کشورهای عضو کنوانسیون و یا یک یا چند دادگاه معین از یکی از کشورهای عضو کنوانسیون را به منظور رسیدگی به اختلافات موجود یا آتی مربوط به رابطه حقوقی معین، تعیین می‌کند و به این ترتیب، صلاحیت دیگر دادگاه‌ها را نفی می‌کند؛ ب- هر موافقتنامه انتخاب دادگاه که به موجب آن، دادگاه‌های یک کشور از کشورهای متعاقد یا یک یا چند دادگاه معین از یکی از کشورهای متعاقد را تعیین می‌کند، در حکم موافقتنامه انحصاری انتخاب دادگاه است؛ مگر این که طرفین صراحتاً خلاف آن توافق نمایند.» (مجد کابری و انصاری، ۱۴۰۰: ۱۴۶-۱۴۷).

آنچه از این ماده برمی‌آید، این است که: ۱- کنوانسیون لاهه تنها در صورتی بر توافقات صلاحیت اعمال می‌شود که دادگاه‌های یکی از دول عضو انتخاب شود. اختلاف نیز می‌تواند ناظر بر اختلاف گذشته باشد یا آینده (Explanatory Report on the 2005 Hague: 24). ۲- پنج

1- Fraud

2- Mistake

3- Misrepresentation

4- Duress

5- Lack of Capacity

6- The Doctrine of Forum Non – Conveniens

7- The Doctrine of Lis Pendens

شرط باید احراز شود: الف) بین دو یا چند نفر توافقی در خصوص انتخاب دادگاه وجود داشته باشد. ب) شرایط شکلی توافق (کتبی بودن یا در هر فرمی که بتوان بعداً مورد استفاده قرار داد) احراز شود که در پاراگراف (پ) ماده (۳) بیان شده است. پ) توافق باید دادگاه یک دولت عضو یا یک یا چند دادگاه خاص از یک دولت عضو را با استثنای کردن دیگر دادگاه‌ها انتخاب کند. ت) دادگاه یا دادگاه‌های منتخب باید در یکی از دول عضو باشد، نه غیر عضو.

ه) دادگاه‌های منتخب باید به رابطه حقوقی خاصی مرتبط باشند (Explanatory Report on the 2005 Hague:38-39). باین حال، ممکن است بجای انتخاب یک یا چند دادگاه متعلق به یکی از دولت‌های عضو، دادگاه‌های دو یا چند دولت عضو انتخاب شود. در این صورت، با توجه به این که ماده (۳)، بر انتخاب انحصاری دادگاه، تنها در محدوده یک دولت عضو تاکید کرده است، لذا، چنین توافقی را نمی توان انحصاری دانست (Explanatory Report on the 2005 Hague:40).

پس از انتخاب انحصاری دادگاه، دادگاه منتخب مکلف است در صورت اقامه دعوا در آن، مبادرت به رسیدگی کند و نمی تواند از اعمال صلاحیت قضایی به این دلیل که باید اختلاف در دادگاه دولت دیگری اقامه شود، خودداری ورزد (Explanatory Report on the 2005 Hague:22) و این معنای انحصاری بودن صلاحیت دادگاه منتخب است؛ مگر این که توافق طبق قانون آن دولت باطل تلقی شود.^۱ باین حال، به موجب ماده (۲۸)، دولت‌ها می توانند اعلام کنند که آرای صادره از سوی دادگاه‌های سایر دولت‌های عضو که در توافقات انتخاب غیرانحصاری دادگاه تعیین شده است را اجرا خواهند کرد.

همچنین، گزارش تفسیری کنوانسیون لاهه، مطابق تعریف توافق انحصاری صلاحیت که در ماده (۳) کنوانسیون درج شده است، برای هر کدام از توافق‌های انحصاری و غیرانحصاری انتخاب دادگاه مثال‌های متعددی آورده است تا تمایز میان این دو نوع توافق انتخاب دادگاه را به روشنی نشان دهد. مطابق این گزارش، دو مثال شرط توافق انحصاری صلاحیت به قرار ذیل است:

۱- «طبق این قرارداد، دادگاه‌های کشور (ب) صلاحیت رسیدگی به دعوا خواهد داشت» یا

۲- «طبق این قرارداد، به دعوا باید در دادگاه‌های کشور (ب) رسیدگی شود».

چهار مثال برای توافق غیرانحصاری صلاحیت این گونه است:

۱- «طبق این قرارداد، دادگاه‌های کشور (ب) دارای صلاحیت غیرانحصاری برای رسیدگی به

دعوا می‌باشند»؛

1. HCCCA, Article 5 (1) (2)



۲- «طبق این قرارداد، رسیدگی به دعوا می‌تواند در دادگاه‌های کشور (ب) صورت گیرد، ولی این توافق مانع از اقامه دعوا در دادگاه‌های کشوری دیگر که طبق قانون خود را صالح می‌داند، نیست»؛

۳- «طبق این قرارداد، دعوا می‌تواند در دادگاه (الف) از کشور (ب) یا دادگاه (پ) از کشور (ت)، با سلب صلاحیت از دادگاه‌های دیگر، مطرح گردد»؛

۴- «دعوی علیه طرف (الف) می‌تواند منحصراً در اقامتگاه (الف) در کشور (الف) مطرح گردد و دعوی علیه طرف (ب) می‌تواند منحصراً در اقامتگاه (ب) در کشور (ب) مطرح گردد» (Hartley, Dogauchi, 2007: 108-109).

با توجه به مطالب فوق می‌توان گفت کنوانسیون لاهه، صرف استقرار دادگاه‌های منتخب در دو کشور را منجر به تشکیل توافق غیرانحصاری انتخاب دادگاه می‌داند.

نکته: دولت‌ها می‌توانند با استناد به ماده (۲۱)، موضوعات مورد نظر خود را در هنگام تصویب و امضای آن، با ذکر در اعلامیه، مستثنا کنند. در این صورت، کنوانسیون بر موارد ذکر شده در اعلامیه اعمال نخواهد شد. ماده (۲۱) در این خصوص مقرر می‌کند: «۱- اگر دولتی در عدم اعمال این کنوانسیون در موضوع خاصی دارای نفع مهمی باشد، می‌تواند اعلام کند که کنوانسیون را بر آن موضوع اعمال نخواهد کرد. دولتی که چنین اعلام می‌کند، باید تضمین کند که اعلامیه از مقدار ضرورت وسیعتر نباشد و این که موضوع استثنای شده به صورت صریح و دقیق، معین شده باشد. ۲- در خصوص آن موضوع، کنوانسیون در موارد زیر اعمال نخواهد شد: الف) در کشور عضوی که اعلامیه را صادر کرده است. ب) در دیگر دولت‌های عضو، در موردی که توافقنامه مربوط به انتخاب انحصاری دادگاه، دادگاه‌ها یا یک یا چند دادگاه خاص از دولتی که اعلامیه را صادر کرده است، انتخاب می‌کند.

نکاتی که از ماده (۲۱) برمی‌آید، این است که:

۱- سازگاری با منافع دولتی: این ماده به دولت‌ها این امکان را می‌دهد که در شرایط خاص، از اعمال کنوانسیون صرف نظر کنند که نشان‌دهنده سازگاری مقررات بین‌المللی با منافع ملی است. این نکته از اهمیت بالایی برخوردار است، زیرا می‌تواند از تعارض منافع جلوگیری کند و انعطاف‌پذیری بیشتری به سیستم حقوقی بین‌المللی بدهد.

۲- الزامات شفافیت: دولت‌ها باید تضمین کنند که اعلامیه‌ای که درباره عدم اعمال کنوانسیون صادر می‌شود، دقیق و شفاف باشد. این موضوع اهمیت بالایی دارد، زیرا تعیین صریح شرایط و محل استثنا، از ابهام‌ها جلوگیری کرده و منجر به کاهش سوء تفاهم‌ها می‌شود.

۳- محدودیت‌های جغرافیایی: در بند ۲ ماده (۲۱)، به وضوح مشخص شده که در شرایط خاص، کنوانسیون در کشورهایی که دولت اعلامیه را صادر کرده و همچنین، در سایر کشورهای

عضو، در مواردی که توافقنامه‌ای به انتخاب دادگاه‌های خاص منجر می‌شود، اعمال نخواهد شد. این نکته نشان‌دهنده این است که قوانین و مقررات ممکن است در کشورها با توجه به تفاوت‌ها در سیاست‌ها و رویکردهای ملی متفاوت باشد.

۴- تاثیر بر روابط بین‌الملل: این ماده می‌تواند تاثیرات قابل توجهی بر روابط حقوقی بین‌المللی و دعاوی تجاری داشته باشد، زیرا ممکن است کشورها با توجه به منافع خود، تصمیم به عدم اعمال کنوانسیون در موضوعات خاص بگیرند که این موضوع می‌تواند منجر به چالش‌های قانونی و قضایی جدیدی شود.

۵- ضمانت اجرای توافقات: وجود امکان صدور اعلامیه می‌تواند ضمانت اجرای توافقات بین همه کشورها را تقویت کند، چرا که اگر یک کشور خاص تصمیم به عدم اعمال یک کنوانسیون بگیرد، کشورهای دیگر باید این را در نظر بگیرند و روابط خود را وفق دهند.

۲- ۲- ۵) اسباب باطل تلقی شدن توافق صلاحیت در کنوانسیون لاهه ۲۰۰۵

ماده (۶) مقرر داشته است: «هرگاه دعوی موضوع توافق انحصاری انتخاب دادگاه در دادگاه یکی از کشورهای عضو کنوانسیون، به غیر از دادگاه منتخب مطرح گردد، دادگاه مزبور باید رسیدگی به دعوی موضوع توافق انتخاب دادگاه را متوقف کند یا کلاً از رسیدگی به آن خودداری نماید، مگر اینکه: ۱- توافق انتخاب دادگاه، طبق قانون کشور دادگاه منتخب، باطل باشد؛ ۲- مطابق قانون دادگاهی که دعوا در آن اقامه شده است، یکی از طرفین فاقد اهلیت برای انعقاد توافق انتخاب دادگاه باشد؛ ۳- ترتیب‌اثردادن به توافق انتخاب دادگاه به بی‌عدالتی آشکار منجر شود یا به طور آشکار، مغایر با نظم عمومی کشوری که دعوا در دادگاه آن اقامه شده است، باشد؛ ۴- به دلایل استثنایی و خارج از کنترل طرفین، اجرای توافق به طور منطقی میسر و مقدور نباشد؛ ۵- دادگاه منتخب تصمیم به عدم استماع دعوا گرفته باشد».

۱- ۲- ۵) بطلان توافق انتخاب دادگاه، مطابق قانون کشور دادگاه منتخب

این استثنا به نوعی مرتبط با حکم مقرر در بند (۱) ماده (۵) است. همانگونه که بیان شد، در این بند، فرضی مطرح شده که دعوا در دادگاه منتخب مطرح شده است. بر اساس این بند، دادگاه منتخب باید بر اساس قواعد ملی خود در خصوص اعتبار توافق انتخاب دادگاه تصمیم بگیرد. فرض بند (۱) ماده (۶) موردی است که دعوا در دادگاه غیرمنتخب اقامه شده است. در این فرض نیز کنوانسیون مقرر داشته، دادگاه مزبور باید اعتبار توافق انتخاب دادگاه را نه بر اساس قوانین ملی خود، بلکه مطابق قانون کشور دادگاه منتخب بررسی نماید؛ بنابراین، کنوانسیون لاهه، قانونی را که بر اساس آن در مورد اعتبار توافق صلاحیت تصمیم‌گیری می‌شود، تعیین نموده است. پس، در کنوانسیون لاهه، قانون حاکم بر این مساله، خواه دعوا در دادگاه کشور عضو منتخب و خواه دادگاه عضو غیرمنتخب مطرح گردد، قانون کشور دادگاه منتخب است. این امر سبب می‌شود



دادگاه منتخب و دادگاهی که دعوا در آن مطرح شده است، احکام یکسانی در مورد اعتبار توافق انتخاب دادگاه صادر کنند (Hartley, Dogauchi, 2007:149).

۲-۲-۵) عدم اهلیت طرفین توافق صلاحیت مطابق قانون کشور دادگاه غیرمنتخب این استثنا را می‌توان از موارد و صور استثنای اول به شمار آورد؛ با این توضیح که عدم اهلیت طرفین توافق نیز از موارد بطلان یا بی‌اعتباری توافق انتخاب دادگاه است. در همین راستا، برخی حقوقدانان (الروبی، ۲۰۰۸: ۱۸۲) ذکر چنین استثنایی را لازم نمی‌دانند. درعین حال، با توجه به گزارش تفسیری کنوانسیون لاهه به نظر می‌رسد دلیل ذکر این بند به نحو مجزایی از بند اول، این است که کنوانسیون در این مورد، قانون حاکم بر اهلیت را قانون کشور دادگاه غیرمنتخب می‌داند؛ در حالی که همانگونه که بیان شد، در استثنای اول، قانون حاکم بر مساله اعتبار توافق صلاحیت، قانون کشور دادگاه منتخب است (Hartley, Dogauchi, 2007:150).

۳-۲-۵) بروز بی‌عدالتی آشکار یا مغایرت با نظم عمومی کشور دادگاه غیرمنتخب طبق بند (۳) ماده (۶)، چنانچه ترتیب اثر به توافق صلاحیت به بی‌عدالتی آشکار ۱ بینجامد یا مغایرت با نظم عمومی کشور دادگاه غیرمنتخب باشد، این دادگاه توافق صلاحیت را نادیده می‌گیرد و به دعوا رسیدگی می‌کند.

مطابق مقررات کنوانسیون، مغایرت توافق صلاحیت با نظم عمومی باید آشکار باشد، اما معیاری برای احراز بی‌عدالتی ارائه نداده و تشخیص موضوع را به دادگاه غیرمنتخب واگذار کرده است (شایگان، ۱۳۹۷: ۵۸).

۴-۲-۵) عدم امکان اجرای توافق صلاحیت به طور متعارف به دلایل استثنایی و خارج از کنترل طرفین توافق

این استثنا در موردی اعمال می‌شود که به دلایلی خارج از اراده طرفین، اجرای توافق صلاحیت و اقامه دعوا در کشور دادگاه منتخب به طور متعارف میسر نباشد (Brand, Herrup, 2008:94). البته، این به معنای محال‌بودن اقامه دعوا در آن کشور نیست. برای اعمال این بند، وضعیت استثنایی مانند جنگ، انحلال دادگاه یا تغییر اساسی در ساختار دادگاهها، به نحوی که نتوان آن را منسوب به دادگاه منتخب دانست، باید وجود داشته باشد (Hartley, Dogauchi, 2007: 154).

۵-۲-۵) عدم استماع دعوا توسط دادگاه منتخب هدف از ذکر این استثنا، جلوگیری از فرض انکار عدالت است. مطابق این استثنا، چنانچه دادگاه منتخب به هر علتی به دعوای موضوع توافق صلاحیت رسیدگی ننماید، دادگاه غیرمنتخب برای جلوگیری از انکار عدالت به دعوای موضوع توافق صلاحیت رسیدگی می‌نماید (Hartley, Dogauchi, 2007: 155).

۳-۲-۵) نظر مقررات بروکسل ۱ در مورد انحصاری بودن توافق صلاحیت

در راستای تعیین دادگاه صالح، مقررات یکم بروکسل، در بند (۱) ماده (۲۳) مقرر می‌کند: «اگر طرفین که یکی یا بیشتر آنها در کشور عضو اقامت دارند، توافق کرده‌اند که دادگاه یا دادگاههای یک کشور عضو برای حل و فصل اختلافی که به وجود آمده یا ممکن است در رابطه با یک رابطه حقوقی خاص به وجود آید، صلاحیت داشته باشد، باید آن دادگاه یا دادگاهها صلاحیت داشته باشد؛ چنین صلاحیتی باید انحصاری باشد، مگر اینکه طرفین به نحو دیگری توافق کرده باشند...». آنچه از مقرر فوق برمی‌آید، این است که:

۱- ۳-۲-۵) طرفین می‌توانند بر دادگاههای کشور مورد نظر خود برای رسیدگی به اختلافات ناشی از قرارداد فی مابین توافق کنند که بیانگر اصل استقلال طرفین است. البته، اگر یکی از طرفین، مقیم یکی از کشورهای عضو باشد.

۲- ۳-۲-۵) لازم نیست حتماً خوانده در یکی از کشورهای عضو مقیم باشد و تنها اقامت خواهان کافی است. همچنین، اگر در مواد اساسنامه شرکتی، دادگاه مورد نظر برای حل اختلافات مشخص شده باشد، این دادگاه طبق ماده (۲۳) صالح به رسیدگی خواهد بود.

۳- ۳-۲-۵) لازم نیست دادگاه مورد نظر طرفین مستقیماً تعیین شود، مثلاً ممکن است در بارنامه کالا ذکر شود که دادگاه محل تجارت اصلی متصدی حمل و نقل برای رسیدگی به اختلافات صالح است.

۴- ۳-۲-۵) ممکن است طرفین بجای توافق بر دادگاههای یک کشور، از دادگاه خاصی در آن کشور نام برند. در این صورت، طبق بند (۱) ماده (۲۳)، فقط همان دادگاه ذکر شده، صالح به رسیدگی خواهد بود.

۵- ۳-۲-۵) طرفین می‌توانند بر صلاحیت هر دادگاهی غیر از دادگاههای کشورهای متبوع یا محل اقامت خود نیز توافق کنند؛ چرا که در متن مقرر فوق در خصوص ارتباط خاص طرفین با دادگاه منتخب یا نوع اختلاف با دادگاه قابل انتخاب، چیزی نیامده است. تنها شرط ذکر شده این است که حداقل یکی از اشخاص هر یک طرفین در یک کشور عضو مقیم باشد.

۶- ۳-۲-۵) در صورتی که طرفین، دادگاه دولت غیر عضو را انتخاب کرده باشند، این مقرر اعمال نمی‌شود.

۷- ۳-۲-۵) در صورتی که طرفین بر دادگاه یا دادگاههای کشور خاصی توافق کرده باشند، می‌توانند بعداً با استناد به اصل استقلال طرفین، با توافق همدیگر، انتخاب قبلی را بلااثر کنند.

۸- ۳-۲-۵) ممکن است طرفین شرط مقرر در این ماده را (مقیم بودن یکی از طرفین در یک کشور عضو) احراز نکرده و با این حال، دادگاه یک کشور عضو را برای رسیدگی به اختلاف انتخاب کرده باشند. در این صورت، دادگاه منتخب طبق موازین حقوقی خود موضوع را بررسی و



در صورت امکان، به موضوع رسیدگی می‌کند. در این صورت، دادگاههای دیگر کشورهای عضو، در صورتی صالح به رسیدگی هستند که طبق بند (۳) ماده (۲۳) دادگاه منتخب طرفین اعلام عدم صلاحیت کند (حبیب زاده، ۱۳۹۰: ۱۳۰-۱۲۶).

همانگونه که گفتیم، بند (۱) ماده (۲۳) مقرر می‌کند که توافق طرفین در خصوص دادگاه صالح انحصاری است، یعنی همان دادگاه صالح به رسیدگی است؛ مگر اینکه طرفین به نحو دیگری توافق کرده باشند.

۱-بند (۳) ماده (۲۳) مقرر می‌کند: «در صورتی که هیچ یک از طرفین در یکی از کشورهای عضو اقامت ندارند، اما بر صلاحیت قضایی یکی از کشورهای عضو توافق کرده باشند، دادگاه دیگر کشورهای عضو، صالح به رسیدگی نخواهند بود؛ مگر این که دادگاه منتخب طرفین اعلام رد صلاحیت کند. دادگاه منتخب اعمال صلاحیت قضایی خود را طبق قانون خود تشخیص می‌دهد».

نکته: برخلاف مقررات کنوانسیون لاهه ۲۰۰۵، مطابق مقررات بروکسل ۱، اگر طرفین بر صلاحیت قضایی بیش از یک کشور عضو توافق کنند؛ مثلاً، مقرر کنند اگر طرف (الف) طرف (ب) را تحت تعقیب قرار دهد، دادگاه فرانسه صالح خواهد بود و اگر طرف (ب) طرف (الف) را تحت تعقیب قرار داد، دادگاه آلمان صالح خواهد بود؛ این عمل توافق غیرانحصاری محسوب نمی‌گردد و معتبر است (حبیب زاده، ۱۳۹۰: ۱۲۹).

۴-۲-۵) اسباب باطل تلقی شدن توافق صلاحیت در مقررات بروکسل ۱

در مقررات بروکسل ۱ بطور مشخص در مورد اسباب باطل تلقی شدن توافق صلاحیت سخن به میان نیامده است، اما طبق آرای صادره در برخی پرونده‌های بین‌المللی که بر اساس این مقررات رأی صادر شده است، می‌توان گفت:

۱-۴-۲-۵) اگر طرفین بر صلاحیت دادگاه لهستان توافق کرده باشند، اما خواهان در دادگاه فرانسه اقامه دعوا کند و خواننده بپذیرد، پذیرش خواننده شرط صلاحیت قبلی را ساقط می‌کند و دادگاه فرانسه صالح خواهد بود (حبیب زاده، ۱۳۹۰: ۱۲۹).

۲-۴-۲-۵) در صورتی که توافق صلاحیت غیرانحصاری باشد، در این صورت، خواهان مختار است یا به توافق انجام شده عمل کند و یا طبق سایر مقررات فصل (۲) مقررات بروکسل ۱ عمل کند و این خود به نوعی نشانه امکان باطل تلقی شدن توافق قبلی می‌باشد. انحصاری یا غیرانحصاری بودن توافق، به تفسیر دادگاه طبق قانون حاکم بر قرارداد بستگی دارد (J. Fawcett, 2001).

۳-۵) شرط غیرانحصاری بودن صلاحیت دادگاه سلب صلاحیت شده در دعوای موضوع توافق صلاحیت

با وجود اینکه در اغلب نظام‌های حقوقی، آزادی اراده طرفین در تعیین دادگاه صالح معتبر دانسته شده است، اما این آزادی تنها در رسیدگی به مسائل خصوصی وجود دارد. علاوه بر این، امروزه هیچ کشوری نمی‌پذیرد که در همه دعاوی، اشخاص بتوانند با توافق با یکدیگر دادگاه کشور دیگری را برای رسیدگی انتخاب کنند (Tang, 2014:93). نظام‌های مختلف حقوقی در برخی موارد برای دادگاه‌های خود صلاحیت انحصاری قائل شده‌اند؛ لذا، چنانچه دعوای موضوع توافق صلاحیت راجع به صلاحیت انحصاری دادگاهی باشد که از آن سلب صلاحیت شده، در این صورت، مورد توافق صلاحیت، باطل است. در نتیجه، اگر حکمی در دعوای موضوع توافق صلاحیت از دادگاه منتخب صادر شود، در این صورت، حکم مذکور در کشور دادگاهی که از آن سلب صلاحیت شده، قابل اجرا نیست. چنانچه قانونگذار موارد صلاحیت انحصاری دادگاه‌های کشور خود را مشخص کرده یا صلاحیت انحصاری دادگاه‌های یک کشور توسط معاهدات دو یا چندجانبه مشخص شده باشد، در تشخیص موارد صلاحیت انحصاری مشکل چندانی به وجود نمی‌آید (مجد کابری، انصاری، ۱۳۹۸: ۲۴۰).

۱-۳-۵) نظر کنوانسیون لاهه ۲۰۰۵ در مورد شرط غیرانحصاری بودن صلاحیت دادگاه سلب صلاحیت شده

کنوانسیون لاهه، پس از آن که در بند (۱) ماده (۱)، محدوده اعمالش را تعیین کرده، مقرر می‌دارد که این کنوانسیون بر توافقی‌های انحصاری انتخاب دادگاه که در دعوای مدنی و تجاری بین‌المللی منعقد می‌شود، اعمال خواهد شد. برخی از موضوعات که از کنوانسیون لاهه استثنا شده است، به شرح ذیل می‌باشند:

۱-۳-۵-۱) دعوای راجع به اموال غیرمنقول (۲) ماده (۲)، دعوای راجع به حقوق مربوط به اموال غیرمنقول از حوزه شمول مقررات این کنوانسیون خارج است. بنابراین، توافق در این زمینه در حقوق کشورهای عضو، معتبر محسوب نمی‌شود (ارفع نیا، ۱۳۹۵: ۷۱).

۲-۳-۵-۱) دعوای راجع به اقدامات تأمینی و موقتی (۷) کنوانسیون لاهه بیان می‌کند: «اقدامات تأمینی و موقتی مشمول مقررات این کنوانسیون نیست. این کنوانسیون حاوی هیچ نوع شرط و مانعی برای دادگاه‌های کشورهای عضو کنوانسیون در صدور، رد یا رفع اثر از اقدامات تأمینی و موقتی نیست. کنوانسیون تأثیری در امکان درخواست یکی از طرفین مبنی بر صدور اقدامات تأمینی و موقتی و اختیار دادگاه در صدور، رد یا رفع اثر از



اقدام‌های مزبور ندارد». هم‌چنین، ماده (۴) کنوانسیون در مقام تعریف حکم تصریح کرده که وصف حکم، بر اقدامات تأمینی و موقتی صدق نمی‌کند. (Brand, Herrup, 2008: 96) پس، چنانچه طرفین طبق توافق صلاحیت باید دعوی خود را در دادگاه منتخب مطرح کنند، اما یکی از اطراف درخواست صدور دستور موقت از دادگاه دیگری کرده باشد، این اقدام فی‌نفسه باعث نقض توافق صلاحیت نمی‌شود. این امر بدان علت است که هدف از صدور دستور موقت این است که حق و اموال طرف متقاضی صدور دستور موقت تضییع نشود و این حقوق تا زمان صدور حکم، توسط دادگاه منتخب، مورد حمایت قرار گیرد و از طرفی، علی‌الاصول دادگاه‌ها در صدور دستور موقت صلاحیت انحصاری دارند. لذا، نمی‌توان صدور دستور موقت را از دادگاه دیگری غیر از دادگاهی که مقتضیات صدور دستور موقت در آن کشور وجود دارد، درخواست کرد.

۳-۱-۳-۵) دعوی راجع به احوال شخصیه

بند (۲) ماده (۲)، دعوی راجع به احوال شخصیه را از محدوده اعمال کنوانسیون خارج کرده و مقرر می‌دارد: «این کنوانسیون نسبت به موضوعات زیر اعمال نخواهد شد: ۱- احوال شخصیه و اهلیت حقوقی اشخاص حقیقی؛ ۲- تعهدات مربوط به پرداخت نفقه؛ ۳- سایر موضوعات مربوط به حقوق خانواده از جمله مسائل راجع به روابط مالی زوجین و غیره، از حقوق و تعهدات ناشی از نکاح یا روابط مشابه؛ ۴- وصیت‌نامه‌ها و ارث...» (مجد کابری، انصاری، ۱۳۹۸: ۲۴۶).

۲-۳-۵) نظر مقررات بروکسل ۱ در مورد شرط غیرانحصاری بودن دادگاه سلب صلاحیت شده مقررات بروکسل ۱، موارد صلاحیت انحصاری دادگاه‌های همه کشورهای عضو اتحادیه اروپا را در ماده (۲۴) مشخص کرده است. طبق ماده مزبور، محاکم کشور عضو، صرف‌نظر از اقامتگاه اطراف، در موارد ذیل دارای صلاحیت انحصاری خواهند بود:

۱-۲-۳-۵) دادگاه محل وقوع مال غیرمنقول (بند ۱).

۲-۳-۵) دادگاه اقامتگاه شرکت و سایر شخصیت‌های حقوقی یا سازمان‌ها در دعوی راجع به لغو یا انحلال آن‌ها (بند ۲).

۳-۲-۳-۵) دادگاه محل ثبت در دعوی راجع به اعتبار ثبت در دفاتر ثبت رسمی (بند ۳).

۴-۲-۳-۵) دادگاه محل ثبت اختراعات و علامت‌های تجاری، طرح‌ها یا سایر حقوق مشابه که نیاز به سپرده‌شدن یا ثبت نام دارد، در دعوی راجع به اعتبار یا ثبت آن (بند ۴).

۵-۲-۳-۵) دادگاه محل صدور رأی یا محل اجرای حکم در دعوی راجع به اجرای رأی (بند ۵).

در ادامه، در ماده ۲۵ بیان داشته که چنانچه دعوای موضوع توافق صلاحیت راجع به موارد صلاحیت انحصاری دادگاهی که از آن سلب صلاحیت شده باشد، در این صورت توافق صلاحیت هیچ اثر قانونی نخواهد داشت (مجد کابری و انصاری، ۱۳۹۸:۲۴۱).

با بررسی این دو ماده به نکات ذیل دست می‌یابیم:

۱- صلاحیت انحصاری: بعضی از دعاوی به طور خاص به عدالت ملی ارجاع می‌شوند و در این موارد، طرفین نمی‌توانند به دادگاه‌های دیگر مراجعه کنند؛ مانند دعاوی مربوط به حقوق املاک غیرمنقول.

۲- حفاظت از حقوق طرفین: هدف این ماده این است که از طرفینی که ممکن است در موقعیت‌های نابرابر قراردادی قرار بگیرند، در مقابل انتخاب نادرست یا آسیب از توافقات ناعادلانه محافظت کند.

۳- توافقات دلیل بر تغییر صلاحیت: اگرچه طرفین می‌توانند درباره صلاحیت توافق کنند، اما این توافق در موارد خاص ممکن است معتبر نباشد و طبق ماده ۲۴ باید به صلاحیت‌های اصلی احترام گذاشته شود.

بحث و نتیجه‌گیری

تحلیل شرایط توافق صلاحیت در دو کنوانسیون بین‌المللی لاهه ۲۰۰۵ و مقررات بروکسل یک، بیانگر مسایل کلیدی و مهمی در حقوق بین‌الملل خصوصی است که می‌تواند به درک بهتر اصول و قواعد حاکم بر دعاوی بین‌المللی کمک کند. در اینجا، به برخی از نکات کلیدی اشاره می‌کنیم:

۱- توافق بر صلاحیت: هر دو کنوانسیون به وضعیت توافق بین طرفین برای تعیین صلاحیت قضایی تأکید دارند. این توافق می‌تواند از طریق قراردادهای بین‌المللی و یا توافق‌های قضایی حاصل شود.

۲- روش‌های اجرایی: کنوانسیون لاهه ۲۰۰۵ به دنبال تسهیل فرآیندهای اجرایی و کاهش موانع برای شناسایی و اجرای احکام است. مقررات بروکسل ۱ نیز بر تسهیل این فرآیندها تأکید دارد، اما ممکن است با چالشهایی در زمینه هماهنگی بین کشورهای عضو مواجه شود.

۳- تأثیر بر دعاوی بین‌المللی: با توجه به این که این دو کنوانسیون سازوکار خاصی برای تعیین صلاحیت فراهم می‌آورند، می‌توانند تأثیر قابل توجهی بر دعاوی بین‌المللی و حل و فصل اختلافات داشته باشند.

۴- تأثیر بر طرفین دعوا: هر دو نظام تلاش می‌کنند تا حقوق طرفین دعوی را حفظ کنند، اما ممکن است در عمل نتایج متفاوتی در زمینه زمان و هزینه‌های حقوقی برای طرفین به همراه داشته باشند. در نهایت، هر دو نظام دارای مزایا و معایب خاص خود هستند و انتخاب بین آنها بستگی به شرایط خاص هر پرونده و موقعیت جغرافیایی طرفین دارد.



با توجه به نکات ذکر شده می‌توان نتیجه گرفت با وجود تفاوت‌ها در رویکردها و عملکردها، هر دو کنوانسیون به دنبال ایجاد یک سیستم قضایی منسجم‌تر و کارآمدتر برای طرفین دعوا هستند. تأکید بر انتخاب آزادانه دادگاه و تحدید صلاحیت‌های قضایی می‌تواند منجر به افزایش اطمینان و پیش‌بینی‌پذیری در دعاوی بین‌المللی شود. در نهایت، فهم صحیح این قوانین و تأثیرات آن‌ها بر تعاملات بین‌المللی نیازمند پژوهش‌های جامع‌تر و همکاری نزدیک‌تر میان کشورهای مختلف است. این مقاله می‌تواند مبنای مناسبی برای پژوهش‌های بیشتر در این زمینه باشد که به تحلیل گران و حقوقدانان در مطالعه و تحقیق‌های آینده یاری رساند.

منابع

- ارفع نیا، بهشید. (۱۳۹۵). حقوق بین‌الملل خصوصی (تعارض قوانین). جلد دوم. چاپ پانزدهم. نشر بهتاب.
- ایرانپور، فرهاد؛ اسعدی، سیدحسین. (۱۴۰۲). مطالعه تطبیقی جایگاه توافق انتخاب دادگاه در اسناد سازمانهای منطقه‌ای. پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، ۱۰ (۳۵)، ۱-۲۸.
- توسلی، علی؛ محمدی، مرتضی. (۱۴۰۱). «توافق بر انتخاب دادگاه». ماهنامه علمی جامعه‌شناسی سیاسی ایران، ۵ (۸).
- حبیب زاده، طاهر. (۱۳۹۰). دادگاه صالح و قانون حاکم در بستر قراردادهای الکترونیک (مطالعه تطبیقی)، جلد سوم. چاپ اول. نشر مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- شایگان، اسماعیل. (۱۳۹۷). شرط صالحیت قضایی در حقوق بین‌الملل خصوصی. شرکت سهامی انتشار.
- شریعت باقری، محمدجواد. (۱۳۹۵). حقوق بین‌الملل خصوصی. بنیاد حقوقی میزان.
- غمامی، مجید؛ صانعیان، علی اصغر. (۱۳۹۹). اعتبار قرارداد انتخاب دادگاه در حقوق بین‌الملل خصوصی و تأثیر آن در شناسایی و اجرای آرای خارجی. حقوقی دادگستری، ۸۷ (۱۱۰)، ۱۸۳-۱۶۳.
- کاتوزیان، ناصر. (۱۳۸۷). حقوق مدنی قواعد عمومی قراردادها. جلد سوم. شرکت سهامی انتشار.
- کوپنول؛ لافورس، ماریل. (۱۳۷۹). حقوق بین‌الملل خصوصی. ترجمه مهدی حدادی. قم: مجتمع آموزش عالی قم.
- مجد کابری، محمد؛ انصاری، اعظم. (۱۳۹۷). تأثیر حاکمیت اراده در صلاحیت بین‌المللی دادگاه‌ها، فصلنامه تحقیقات حقوقی، ۲۲ (۸۷)، ۳۲۸-۳۰۳.
- مجد کابری، محمد؛ انصاری، اعظم. (۱۴۰۰). آثار انتخاب دادگاه در حقوق بین‌الملل خصوصی ایران و کنوانسیون ۲۰۰۵ لاهه. حقوق تطبیقی، ۸ (۱۵)، ۱۶۴-۱۳۹.
- مجد کابری، محمد؛ انصاری، اعظم. (۱۳۹۸). شرایط اساسی توافق صلاحیت در حقوق بین‌الملل خصوصی. مطالعات حقوقی، ۱۱ (۳۲)، ۲۵۵-۲۲۵.
- مجد کابری، محمد؛ انصاری، اعظم. (۱۳۹۹). نقش ارتباط در صحت توافق انتخاب دادگاه. تحقیقات حقوقی، ۲۳ (۹۲)، ۳۸۴-۳۵۷.

- الروبي، محمد، (٢٠٠٨). دور الارادة فى تحديد الاختصاص القضائى الدولى. القاهرة: منشورات دارالنهضة العربية.
- حداد، حفيظه، (٢٠١٠). «النظرية العالمه فى القانون القضائى الخاص الدولى (كتاب الثانى)»، بيروت: منشورات الحلبي الحقوقية.
- محمد خليل، خالد عبدالفتاح، (٢٠١٤). «تعاظم دور الارادة فى القانون الدولى الخاص»، القاهرة: منشورات دارالنهضة العربية.

- Bennett, Annabelle & Grana, Sam (2017). "The Intersection Between Intellectual Property Law and Private International Law", WIPO/ACE/12/7REV., Available at: https://www.wipo.int/meetings/en/doc_details.jsp?doc_id=382036.
- Borchardt, Klaus-Dieter (2017). "The ABC of the EU law (Manuscript completed in December 2016)", Publications Office of the European Union.
- Brand, Ronald. A and Herrup, Paul, (2008). "The 2005 Hague Convention on Choice of Court Agreements Commentary and documents". Cambridge: Cambridge University Press.
- Briggs, Adrian (2015). "Civil Jurisdiction and Judgments", 6th Edition, NEWYORK: Routledge.
- Carr, Indira, (2005). "International Trade Law", 3th Edition, Covendish Publications.
- Clermont, Kevin M (2015). "Governing Law on Forum-Selection Agreements", *Hastings Law Journal*, Issue 3, Vol.66, PP. 643 – 673.
- Delaygua, Q.F (2015). "Changes to jurisdiction based on exclusive jurisdiction agreements under the Brussels I Regulation Recast", *Journal of Private international law*, N.3, Vol.11.
- Explanatory Report on the 2005 Hague Choice of Court Agreements Convention at: www.hcch.net.
- Garcimartin, Francisco (2015). In A. Dickinson, E. Lein, & A. James (eds), (A. Dickinson, E. Lein, & A. James, eds), "The Brussels I Regulation recast" (First edition, pp.227-311), Oxford University Press.
- Hartley, Trevor & Masato Dogauchi (2007). Explanatory Report on the 2005 Hague Choice of Court Convention Hague": *The Permanent Bureau of the Conference*.
- J. Fawcett, "Non-exclusive Jurisdiction Agreement in Private International Law", (2001) LMCLQ 234.
- Mills, Alex (2017). "The Hague Choice of Court Convention and Cross-Border Commercial Dispute Resolution in Australia and the Asia-Pacific", *Melbourne Journal of International Law*, Vol. 18, No. 1, pp.1-15
- Tang, Zheng Sophia (2014). "Jurisdiction and Arbitration Agreements in International Commercial Law" (1st ed), New York: Routledge.